



«سندس یوسف الاسد» فعال لبنانی
حقوق زنان در گفت و گو با بیت المقدس:
عربستان یکی از بدترین
سیاهچال های روزنامه نگاران
و فعالان حقوق بشر است

۷



به مناسبت سی امین سالگرد عملیات
استشهادی شهید «سید عبدالله عطوی»

«حر عاملی»: گمنام ترین
شهید «عصر طلایی»
استشهادیون «لبنان»



۵

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس ◀ شماره ۷۰ ▶ سه شنبه ۳۰ مهر ۱۳۹۸ ▶ ۲۳ صفر ۱۴۴۱ ▶ ۲۲ اکتبر ۲۰۱۹

۲ بررسی ناآرامی های گسترده و عجیب در لبنان

آتش برداشتن روسی





برگزاری شانزدهمین سالگرد درگذشت رهبر مسلمانان بوسنی

مراسم بزرگداشت شانزدهمین سالگرد مرحوم علی عزت بگوویچ اولین رئیس جمهور فقید بوسنی و هرزگوین در گلزار شهدای کواچی ساریاویو برگزار شد. در این مراسم سفیر جمهوری اسلامی ایران و همکارانش نیز حضور یافتند و با نثار گل یاد رهبر فقید مسلمانان بوسنی و هرزگوین را گرامی داشتند. باقر عزت بگوویچ رئیس پارلمان اقوام و دیگر اعضای خانواده مرحوم علی عزت بگوویچ، شفیق جعفروویچ عضو مسلمان شورای ریاست جمهوری بوسنی و هرزگوین و گروهی از دیگر مقامات عالیرتبه مسلمان و تعدادی از سفرای کشورهای اسلامی و نیز نمایندگان احزاب و تشکلهای مردمی وابسته به مسلمانان از جمله حاضرین در این مراسم بودند.

«دکتر ابراهیم سلیمان» عضو ارشد جنبش اسلامی نیجریه در گفت‌وگو با بیت المقدس مطرح کرد

نقش «محمد بن سلمان» در سرکوب شیعیان نیجریه



در ماه‌های گذشته دولت نیجریه پس از مدت‌ها اجازه ملاقات و معاينه یک تیم پزشکی از شیخ ابراهیم زکزاکی رهبر شیعیان نیجریه و همسرش را صادر کرد اما پس از آن شیخ زکزاکی، رهبر جنبش اسلامی نیجریه دچار مسمومیت شدید و حال وی نامساعد گزارش شده است.

در همین ارتباط نیز برخی منابع مسمومیت شدید شیخ ابراهیم زکزاکی را توسط عوامل ارتش نیجریه عنوان کرده‌اند. با این حال در اعتراض به ادامه حبس شیخ زکزاکی، جنبش اسلامی نیجریه در خیابان‌های ابوجا با تاخت این کشور اقدام به برگزاری راهپیمایی عمومی کرد. در این تظاهرات جنبش اسلامی نیجریه اعلام کرد اقدام دولت در اجازه ندادن به شیخ زکزاکی و همسرش برای اینکه در خارج تحت درمان قرار بگیرند، به معنای نقض حقوق انسانی آنهاست. در بیانیه جنبش اسلامی نیجریه تأکید شده که آزادی شیخ زکزاکی و همسرش بخشی از حق آنها برای زندگی بر اساس قانون است.

۴ سال قبل ارتش نیجریه با حمله و وحشیانه به راهپیمایی اربعین حسینی در شهر زاریا، صدها عزا دار را به شهادت رساند و شیخ ابراهیم زکزاکی و همسر وی را به اسارت گرفت. در سالگرد این اتفاق و برای پیگیری آخرین وضعیت شیعیان نیجریه با دکتر «ابراهیم سلیمان» مسئول کمیته تعلیم و تربیت جنبش اسلامی نیجریه گفت‌وگو کرده‌ایم که شرح آن از نظر می‌گذرد.

▼ اخباری مبنی بر شهادت برخی از شیعیان نیجریه در طول ایام عزاداری اباعبدالله الحسین (ع) در محرم و صفر منتشر شد. در این خصوص توضیح دهید. رئیس پلیس نیجریه اعلام کرد که اقدامات جنبش

منتظر برنامه‌ای برای خروج شیخ زکزاکی از نیجریه به منظور مداوای ایشان هستیم اما تا این لحظه هیچ برنامه‌ای اعلام نشده است و امیدواریم که حال شیخ خوب باشد



▼ آیا اخبار جدیدی درباره وضعیت شیخ زکزاکی و همسرشان دارید؟ ما همانگونه که پیش از این اعلام کرده بودیم منتظر برنامه‌ای برای خروج شیخ زکزاکی از نیجریه به منظور مداوای ایشان هستیم اما تا این لحظه هیچ برنامه‌ای اعلام نشده است و امیدواریم که حال شیخ خوب باشد.

▼ آیا امکان بیان مظلومیت شیعیان نیجریه و فعالیت‌هایشان در طول اجتماعات اسلامی مانند راهپیمایی اربعین وجود دارد؟

هر سال زائران نیجریه در مراسم‌های حسینی افزایش می‌یابند و علاوه بر مرثیه خوانی و برگزاری جلسات، کتابچه‌هایی نیز توزیع می‌کنند که حامل پیام مظلومیتهای شیعیان در نیجریه است. این اقدام در احیاء مسأله شیعیان نیجریه به ویژه در ایام اربعین خوب است و امیدواریم رسانه‌ها نیز در این خصوص ایفای نقش کنند.

▼ تأثیر مکتب حسینی و عاشورا بر جنبش اسلامی نیجریه و محور مقاومت چیست؟

مکتب حسینی است که روح مقاومت را به صورت کلی و جنبش اسلامی نیجریه به رهبری شیخ زکزاکی را به صورت خاص زنده کرده است. همانا مردان ما از مرگ در راه خدا همانند یاران امام حسین علیه السلام در میدان کربلا استقبال می‌کنند. مردان ما: جانفشانی یاران اباعبدالله (ع) بسیار تأثیر پذیرفته‌اند.

▼ آیا سعودی‌ها و وهابیت برای سرکوب شیعیان در نیجریه اقدامی انجام می‌دهند؟

می‌دانیم که محمد بن سلمان اعلام کرده بود که از جمله اقدامات آنها سرکوب تحرکات شیخ زکزاکی در نیجریه است و دولت نیجریه نیز این اعتراف وی را انکار نکرد. سکوت دولت نیجریه ثابت می‌کند که سعودی‌ها بهای این اقدامات را می‌پردازند. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ كَفَرُوا يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَيَسْنِفُونَهَا ثَمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةُ تَمِيعِلُونَ وَالدِّينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يَحْشَرُونَ».

سخن نخست

بررسی ناآرامی‌های گسترده و عجیب در لبنان

آتش بردامن عروس

محمد مهدی رحیمی



آسیاب شلوغی و ناآرامی در کشورهای مختلف منطقه غرب آسیا چرخید و این بار نوبت به «عروس خاورمیانه» رسید؛ کشور کوچک و کم جمعیت اما استراتژیک حاشیه مدیترانه یعنی لبنان. تحولات چند روز اخیر لبنان که علی الظاهر در اعتراض به اعلام تصمیم احتمالی دولت مبنی بر بستن مالیات بر استفاده از بیمارسان واتس آپ آغاز شد و به سرعت به تظاهراتی فراگیر در همه مناطق لبنان بدل شد. ناآرامی‌های لبنان را در دומدل و قالب کلی باید تحلیل کرد. اولاً تظاهرات مردمی در لبنان چیزی جدای از تظاهرات و ناآرامی در کشورهای مختلف منطقه ما نیست و در واقع باید آنرا قطعه‌ای از پازل ناآرامی‌ها و نا رضایتی‌ها در منطقه غرب آسیا به حساب آورد و این نشان از استخوان‌های لای زخمی دارد که میراث استعمار در منطقه است و هر بار از گوشه‌ای سر باز می‌کند.

از سوی دیگر به طور مجزا باید ناآرامی‌های لبنان را تحلیل کرد این تحلیل آن گاه مهم‌تر می‌شود که بدانیم لبنان تقریباً متفاوت‌تر از همه کشورهای منطقه است؛ بسیار کشور کوچکی است، هیچ درآمد نفتی ندارد اقتصاداً کاملاً وابسته به صنایع کوچک یا تورسم است و مهم‌تر از همه اینها یک نظام طایفه‌ای دارد که در آن ۱۸ طایفه و مذهب به رسمیت شناخته شده و حق فعالیت مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارند همچنین کشورهای مختلف منطقه هم‌فرماندهی در لبنان نفوذ داشته و بخشی از حاکمیت لبنان را هدایت یا پشتیبانی می‌کنند. این ویژگی‌ها را در هیچ کشور دیگری در منطقه شاهد نیستیم از همین باب است که وقتی می‌گوییم در لبنان یک ناآرامی عمومی به وجود آمده است اهمیت آن دو چندان می‌شود چرا که یعنی مردم از طوایف و مذاهب مختلف و جریان‌های سیاسی معارض اکنون جملگی یک خواسته دارند و آن بهبود و اصلاح اوضاع اقتصادی و معیشتی است.

در این باره نکاتی گفتنی است؛ اولاً تحولات لبنان را باید واکنشی به اوضاع چند دهه در این کشور تلقی کرد در حقیقت لبنان در دهه‌های متوالی دچار ضعف مفرط و فرآیندهای دولت‌ها و ناآرامی حاکمیت این کشور اعم از پارلمان، ریاست جمهوری، کابینه و نخست وزیر بوده که همگی منجر شده‌اند به انباشته شدن مشکلات و عدم حل آنها. از سوی دیگر نظام طایفه‌ای لبنان باعث شده که همواره کابینه این کشور همچون کیک‌ی باشد که قطعات آن به اجبار سهم طوایف مختلف است و طبعیتاً وزای نزدیک به هر طایفه‌ای به دنبال تحقق نیازها و خواسته‌های جریان خودش است و همین مسئله باعث شده که لبنانی‌ها بیش از این که حس تعلق ملی داشته باشند گرایش‌ها طایفه‌ای و مذهبی دارند.

در این میان موضع گیری دقیق، منطقی و هوشمندانه جناب سید حسن نصرالله در فاصله ۴۸ ساعت پس از آغاز ناآرامی‌ها قابل توجه است که اولاً به ریشه‌های این مشکلات پرداخت تأنیا هیچ جریانی را به طور مشخص عامل این حوادث ندانست بلکه آن را به عنوان یک اعتراض مردمی به رسمیت شناخت و گفت همه طوایف مردمی در این تظاهرات نقش دارند اما در وضعیت فعلی کشور و ناآرامی‌های حاکمیت همه جریان‌های سیاسی حتی حزب الله سهمی دارند. در واقع دبیر کل حزب الله تلاش کرد تا از آنکه تظاهرات مردمی رنگ و بوی سیاسی پیدا کند و به محلی برای تسویه حساب‌های سیاسی تبدیل شود، جلوگیری کند. نصرالله نکته بسیار مهمی را تذکر و در واقع امیدواری داد و گفت راه حل مشکلات را در همین کشور می‌توان یافت به شرط آنکه ایستادگی کرد، تلاش کرد و همت داشت برای حل مشکلات و در نهایت چند پیشنهاد مشخص هم ارائه کرد. در تصاویر و گزارش‌های منعکس شده اخیر، حمایت افرادی از طیف‌های مختلف لبنانی از نگاه و مواضع سید حسن نصرالله کاملاً هویداست. بی‌راه نیست گفته شود که بخشی از لبنانی‌ها به بلوغی رسیده و متوجه شده‌اند شرایط کنونی کشور بیش از همه چیز ناشی از این است که همواره بدنبال دعوای طایفه‌ای بوده‌اند و اکنون اگر بخواهند ورق برگردد و تحولی در کشورشان صورت بگیرد باید از سیاسی شدن و طایفه‌ای شدن اعتراضات ممانعت کرده و از هر کسی که به دنبال اصلاح اوضاع کشورشان است حمایت کنند.

در مجموع به نظر می‌رسد که راه به ثمر رسیدن این اعتراضات و تحقق تحول در اوضاع اقتصادی لبنان نیازمند زمانی طولانی است و اکنون آینده مشخص و روشنی را نمی‌توان برای این ناآرامی‌ها پیش بینی کرد. از قدیم ایلام لبنان را «دماسنج خاورمیانه» خوانده‌اند لذا این ناآرامی‌ها هر نتیجه‌ای که پیدا کند و به هر سمت و سویی که در نهایت گرایش پیدا نماید حتماً تحولاتی را در آرایش کلان و صغیر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رقم خواهد زد.



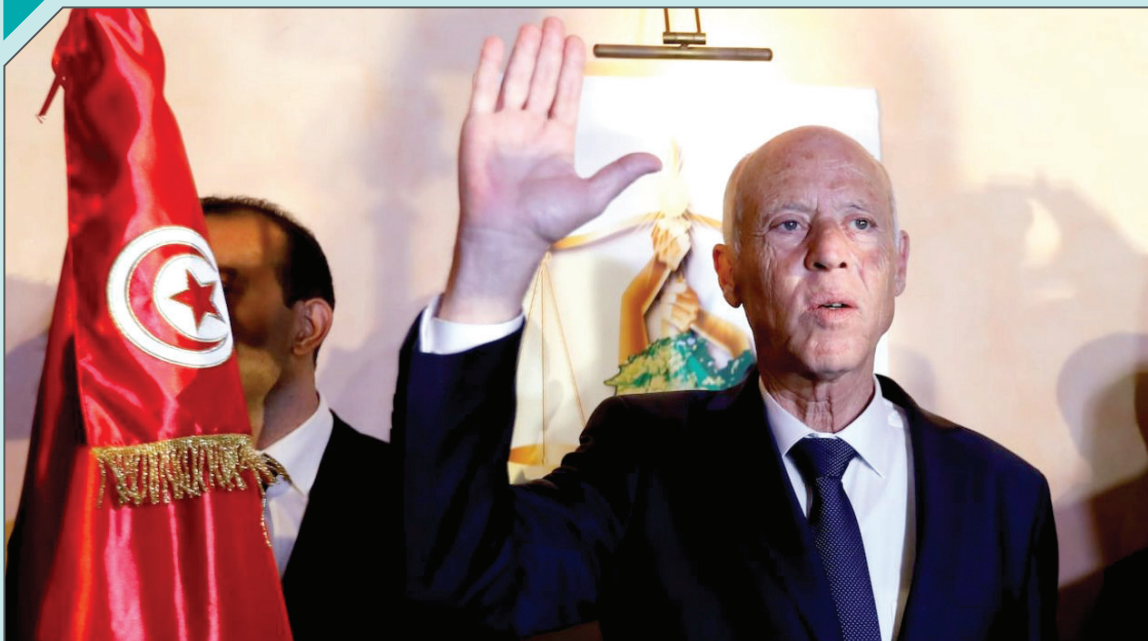
◀ احتمال تغییر قانون همراه داشتن محرم برای زنان در سفر عمره

دبیرکل کمیته ملی حج و عمره عربستان از بررسی لغو شرط حضور محرم برای زنان در مراسم عمره خبر داد. مازن درار اعلام کرد که وزارت حج و عمره عربستان در نظر دارد تا درخواست شرکت‌ها و موسسات عمره مبنی بر اجازه به زنان برای حضور در مراسم عمره بدون حضور محرم را مورد بررسی قرار دهد و در مقابل، شرکت‌های خارجی خود مسئولیت کامل این مساله را بر عهده بگیرند. وی با تاکید بر اینکه این مساله فعلا در حال بررسی است، افزود که این تصمیم کار نمایندگی‌های عمره در خارج از کشور را را احتتر خواهد کرد و همچنین این تصمیم مساوی با شرط ویزای گردشگری برای زنان است.

پیروزی بر «غول رسانه‌ای»

◀ رامین حسین آبادیان

«قیس سعید» و وقوع انقلابی جدید در تونس



حمایت از مسأله فلسطین

وسیلی به صورت صهیونیسم

علاوه بر مواضع داخلی که بدان اشاره شد، در عرصه خارجی نیز «قیس سعید» مواضع اصولی را اتخاذ کرده که جملگی با اهداف انقلاب تونس همخوانی دارند. به عنوان نمونه می‌توان به مواضع وی در قبال مسأله فلسطین اشاره کرد. سعید در این خصوص اظهار داشت: «حمایت از مسأله فلسطین در رأس اولویت‌های من است. اولین کاری که انجام خواهم داد، حمایت از قضایای عادلانه همچون مسأله فلسطین است». وی ابراز امیدواری کرد که پرچم فلسطین همواره در کنار پرچم تونس قرار داده شود. همین مواضع اصولی موجب شد تا پس از پیروزی «قیس سعید» در انتخابات، مردم تونس بادر دست داشتن پرچم فلسطین در نقاط مختلف این کشور به جشن و پایکوبی بپردازند. افزون بر این، وی در مواضع خود در عرصه سیاست خارجی سیلی محکمی را نیز به صورت صهیونیست‌ها زد و در موضوعی شفاف، صریح و قاطعانه اعلام کرد: «عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی جرم است. برقراری ارتباط با رژیم صهیونیستی یک خیانت بزرگ به شمار می‌رود».

احیای روابط با سوریه

از جمله دیگر مواضع «قیس سعید» در عرصه خارجی می‌توان به مواضع وی در قبال سوریه و قطع روابط دولت وقت تونس با این کشور، اشاره کرد. وی در خصوص سوریه می‌گوید: «دولت سوریه با تلاش‌های خارجی برای سرنگونی آن مواجه شد. هدف اصلی از دخالت‌های خارجی در سوریه تجزیه و تقسیم این کشور بوده است. آنچه که واضح به نظر می‌رسد، این است که هیچکس حق ندارد سر نوشت مردم سوریه را تعیین کرده و در راستای سرنگونی دولت آن گام بردارد». این سخنان سعید در خصوص سوریه در حالی است که دولت وقت تونس روابط خود با دمشق را بر اساس خواسته‌ها و مطالبات آمریکا و رژیم صهیونیستی قطع کرده بود. براساس آنچه که گفته شد، ناگفته نپیداست که در صورت پایبندی «قیس سعید» به مواضعش در حوزه‌های داخلی و خارجی می‌بایست شاهد وقوع انقلابی جدید در تونس باشیم؛ انقلابی که مردم این کشور در طول ۸ سال گذشته شاهد آن نبوده‌اند.

رفع بیکاری و مبارزه با فساد در اولویت

در ژانویه سال ۲۰۱۱ بود که سلسله تظاهرات‌های گسترده مردم تونس در اعتراض به بیکاری، گرانی و فساد گسترده در این کشور به کناره‌گیری «زین العابدین بن علی» دیکتاتور سابق تونس از قدرت منجر شد. اما آنچه که در طول سال‌های گذشته اتفاق افتاد عدم موفقیت دولتهای پس از انقلاب تونس در جامه عمل پوشاندن به اهداف انقلاب بود. در طول سال‌های گذشته نه تنها در عرصه داخلی اوضاع معیشتی مردم بهبود پیدا نکرد، بلکه در عرصه خارجی نیز نوعی نسخه‌برداری از سیاست‌های رژیم بن‌علی مشاهده شد. از همین روی، مواضع «قیس سعید» در خصوص امور داخلی تونس مورد اتمام فراوان مردم این کشور قرار گرفت.

قیس سعید پیش از آغاز زمان قانونی تبلیغات انتخاباتی

با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که به دلیل حضور رقیبش در

زندان و عدم برخورداری وی از فرصت‌های تبلیغاتی برابر،

کمپین انتخاباتی تشکیل نمی‌دهد

قانون اساسی و همچنین مرکز «قانون اساسی برای دموکراسی» از دیگر سوابق سعید به شمار می‌رود. «قیس سعید» در حالی توانست در رقابت با «نبیل القروی» بر او غلبه کند که وی به عنوان «غول رسانه‌ای» تونس شناخته می‌شود. در واقع، القروی از بازار گانان متمول تونس به شمار می‌رود که اداره بسیاری از رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای این کشور بر عهده اوست. همانطور که پیشتر هم گفته شد، وی مؤسس شبکه ماهواره‌ای «نسمه» نیز است. یکی از مهمترین عوامل راه‌یابی وی به دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری تونس نیز به همین سبب و حکمرانی بر رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای بازمی‌گردد. اما با این حال، این مواضع اصولی «قیس سعید» در عرصه‌های مختلف بود که پس از گذشت قریب به ۸ سال از قیام مردم تونس علیه دیکتاتوری «زین العابدین بن علی» بار دیگر روح امید و انقلابی‌گری را در آن‌ها زنده ساخت و موجبات افول «غول رسانه‌ای» را فراهم آورد.

نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری در تونس که به تازگی اعلام شده، مورد توجه بسیاری از رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته است. این انتخابات نه از حیث برخورداری تونس از دموکراسی در انتخاب رهبران ارشد این کشور که از حیث ویژگی‌های فرد پیروز در انتخابات یعنی «قیس سعید» در کانون توجهات رسانه‌ها قرار گرفت. انتخابات ریاست‌جمهوری تونس به دلیل عدم دست‌یابی نامزدها به حد نصاب آراء مردمی، به دور دوم کشیده شد. دور نخست این انتخابات در تاریخ ۱۵ سپتامبر (۲۴ شهریورماه) برگزار شد. در این دور ۲۶ نامزد انتخاباتی با یکدیگر به رقابت پرداختند و در نهایت «نبیل القروی» و «قیس سعید» توانستند با پیروزی بر نامزدهای مطرح و سرشناسی همچون «المنصف المرزوقی»، «یوسف الشاهد» و «عبدالفتاح مورو» به دور دوم انتخابات راه یابند. در جریان دور اول انتخابات ریاست‌جمهوری تونس، «قیس سعید علی» ۱۸.۴ درصد و «نبیل القروی» ۱۵.۶ درصد آراء را به خود اختصاص دادند.

مشارکت در انتخابات علیرغم حضور در زندان!

این نتایج در حالی رقم خورد که «نبیل القروی» نامزد حزب «قلب تونس» با توجه به تبلیغات رسانه‌ای گسترده حساب ویژه‌ای روی پیروزی در انتخابات در همان دور اول باز کرده بود. نکته جالب توجه انتخابات ریاست‌جمهوری تونس مشارکت «نبیل القروی» در این انتخابات علیرغم حضور وی در زندان بود. ماجرا از این قرار بود که مقامات امنیتی تونس، «نبیل القروی» ۵۶ ساله و مالک شبکه ماهواره‌ای «نسمه» را در اواخر ماه آگوست به اتهام پولشویی و فرار مالیاتی بازداشت کردند؛ هر چند که القروی تمامی اتهامات وارده علیه خود را رد کرده و مدعی شد که این اتهامات با هدف مخدوش کردن چهره وی به او نسبت داده شده‌اند. علیرغم اینکه القروی در زندان به سر می‌برد، اما به دلیل که هنوز رسماً به خاطر اتهامات وارده محکوم نشده بود، مجوز مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری را دریافت کرد. پس از راه یافتن القروی به دور دوم انتخابات، وی تهدید کرد که در صورت عدم آزادی‌اش، به نتایج نهایی انتخابات اعتراض خواهد کرد و آن را به چالش خواهد کشید. اما با این حال، دستگاه قضایی تونس با صدور بیانیه‌ای مخالفت قاطعانه خود با آزادی «نبیل القروی» را اعلام کرد.

پیروزی قاطعانه «قیس سعید»

دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری تونس نیز کمتر از ۱۰ روز پیش برگزار شد و ۲ نامزد مذکور با یکدیگر به رقابت پرداختند. یکی از مهمترین اتفاقات در جریان دور دوم این انتخابات، حرکت جوانمردانه‌ای بود که «قیس سعید» انجام داد. وی پیش از آغاز زمان قانونی تبلیغات انتخاباتی با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که به دلیل حضور رقیبش در زندان و عدم برخورداری وی از فرصت‌های تبلیغاتی برابر، کمپین انتخاباتی تشکیل نمی‌دهد. در همین ارتباط، وی اعلام کرده بود: «من شخصاً تبلیغات انتخاباتی نخواهم داشت و این به دلایل اخلاقی و در راستای برپیز از هر گونه شک و شبهه پیرامون یکسان بودن فرصت‌ها میان نامزدهاست». این اقدام «قیس سعید» تحسین محافل سیاسی و رسانه‌ای در تونس و خارج از مرزهای آن را به دنبال داشت و جملگی از این اقدام تحت عنوان یک حرکت جوانمردانه یاد کردند.

چندی پس از برگزاری دور دوم انتخابات، کمیته عالی انتخابات تونس نتایج رسمی را اعلام کرد و مشخص شد که «قیس سعید» نامزد مستقل انتخابات با کسب ۷۱/۲۲ درصد آراء به صورت قاطعانه بر رقیب خود یعنی



◀ دعوت از رئیس‌جمهور جدید تونس برای سفر به غزه

هیئت عالی ملی تظاهرات بازگشت و شکستن محاصره از «قیس سعید» رئیس‌جمهور تونس برای سفر به نوار غزه دعوت کرد. محمود خلف سخنگوی این هیئت در سخنانی در کنفرانس مطبوعاتی پایانی هفتاد و نهمین جمعه تظاهرات بازگشت در مرزهای غزه از مواضع سعید در حمایت از ملت فلسطین و محکومیت عادی‌سازی روابط با دشمن صهیونیستی تقدیر کرد. این هیئت ضمن تبریک پیروزی قیس سعید در انتخابات ریاست جمهوری تونس از او برای دعوت به نوار غزه دعوت کرد.

[امت واحدہ]

گزارشی از تجربه هم‌صحبتی با موکب داران عراقی در مسیر بغداد-کربلا

◀ امیر محمد اسماعیلی

مدال شجاعت و ضیافت بر سینه صاحبان کرامت



پیاده روی اربعین امسال را بر خلاف سال‌های قبل از سامرا به سمت کاظمین و سپس پیاده روی از بغداد به سوی کربلا آغاز کردیم. یکی از مزیت‌های این جاده فرصت هم‌صحبتی با صاحبان کرامت بود که شدیداً علاقه‌مند به گفت‌وگو با زائران ایرانی بودند. گروه ما، متشکل از سه نفر از دوستان هم‌سن و سال در رشته‌های مختلف علوم انسانی و از مناطق مختلف کشور و توانمند به زبان عربی بود. همین ویژگی‌ها ما را ترغیب می‌کرد تا از فرصت‌های به دست آمده جهت صحبت در ابواب مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با دوستان عراقی نهایت بهره را ببریم.

سخن در باب کرامت و سفره‌داری میزبانان عراقی بسیار گفته شده و سال به سال از سوی بسیاری از میهمانان ایرانی درک و فهم شده است. شاید گفته‌های یکی از دوستان عراقی به نام علی از زبان یکی از دوستان اهوازی‌اش، بیشتر برایم جلب توجه می‌کرد. دوست اهوازی علی، مسیرهای کرامت را به مسیری که در آن «دلارهای عراقی در خیابان‌ها ریخته شده» تشبیه کرده بود؛ آن هم بدون «چشم‌داشت معنوی». علی جوانی بود که با او در یکی از موکب‌های نزدیک بغداد صحبت کردیم؛ جوانی از اهل بغداد که حرفه‌اش، بنایی ساختمان بود و برای دو هفته کار و حرفه‌اش را برای خدمت زائران به کناری نهاده بود.

در حوالی مرقد مطهر طفلان مسلم (صلوات الله علیهما) بودیم که در یکی از موکب‌ها تصمیم به استراحت کوتاهی گرفتیم. کمی بعد یکی از دوستان عراقی به نام منتظر وارد موکب شد و با تعدادی لیوان آب به دست تلاش کرد ما را مجاب کند تا پاهای ما را ماساژ دهد. وقتی متوجه شد که عربی می‌دانیم، باب صحبت را باز کرد. دانشجوی سال دوم گردشگری در دانشگاه بغداد بود. از او از تظاهرات اخیر در بغداد پرسیدیم. به نظرش، این تظاهرات بیشتر جنبه اقتصادی داشت و مردم و جوانانی در آن شرکت کرده بودند

که خواستار تغییر شرایط و اصلاح امور بودند. وقتی از او علت فروکش کردن این ناآرامی‌ها را سؤال کردم، با اشاره به پیاده روی اربعین و زیارت ابا عبد الله (ع) گفت که «بنای ما بر این است که از زائرین و میهمانان پذیرایی کنیم و بعد در صورت عدم بهبود اوضاع، به اعتراضات خود ادامه دهیم». با گذشت تنها دقایقی از شروع بحث، متوجه حضور حلقه‌ای از دوستان عراقی شدید. در خلال صحبت‌های دو ساعته‌مان به موضوعات مختلفی پرداختیم؛ از فرهنگ ازدواج در عراق گرفته تا شرایط دانشگاه‌های ایرانی؛ اما یکی از نکاتی که منتظر به عنوان دانشجوی گردشگری اشاره داشت جالب بود. او درگیری‌های غرب آسیا و عراق را با «ماهیتی سیاسی و نه فرقه‌ای» تحلیل می‌کرد. این موضوع

از آنجا برایم جلب توجه می‌کرد که یک جوان عراقی که خود همه درهای عراق را با گوشت و استخوان درک کرده، آن را بیان می‌کند. به نظر تنها با حضور در غرب آسیا است که می‌توان طعم شوم میراث استعمار غربی را با چاشنی سیاست کاملاً چشید. منتظر در گوشه‌ای با اشاره به شهدای محور مقاومت با چهره‌ای محزون و البته برافروخته آمریکا و سعودی را مسبب اصلی این نزاع و شهادت جوانان عراق و داغ مادران و خانواده‌های این دیار عنوان کرد. پس از گذشت دو ساعت تصمیم گرفتیم تا از دوستان عراقی خداحافظی کنیم و از برنامه عقب‌نیمیتیم.

در ادامه مسیر هنگامی که قصد استراحت کوتاهی در موکب امام علی (ع) را داشتیم یکی از دوستان عراقی برای ما چند بشقاب غذا آورد. یکی از دوستان به شباهت این دوست عراقی به ایرانی‌ها اشاره کرد و وقتی عباس متوجه شد که عربی می‌دانیم، کنار ما نشست و باب صحبت را باز کرد. عباس کارمند وزارت کشور عراق بود و چهار سال در بغداد درس حقوق خوانده بود. با وجود جوانی‌اش چهار فرزند داشت. صحبت و هم‌نشینی با عباس هم ابواب مختلفی داشت؛ از خیانت‌های برخی مزدوران در «تسلیم موصل به داعش» گرفته تا تظاهرات اخیر در عراق. او در ابتدای صحبت‌هایش به «نقش مستقیم آمریکا و غرب در ایجاد و حمایت داعش» اشاره کرد و از کمک‌های ایران در نابودی این گروه تشکر کرد. عباس که جوان خوش‌صحبتی بود ناآرامی‌های اخیر بغداد را «چالشی جدید پس از چالش امنیت در این کشور و از نوع اقتصادی و سیاسی» دانست که از برخی از فسادهای نظام پارلمانی نشئت می‌گیرد. او معتقد بود که در عراق احزاب همچون قارچ رشد کرده و فضای سیاسی کشور به «محل باج‌گیری هر یک از این احزاب ناکارآمد» تبدیل شده که هر یک سهم خود را بدون توجه به مردم می‌طلبند. عباس در میان صحبت‌هایش به این نکته اشاره داشت که می‌توان از این مرحله عبور کرد «اما نباید از فرصت‌طلبی دشمنان مردم عراق به‌ویژه سعودی‌ها، آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها غفلت کرد»؛ چرا که آن‌ها در تلاشند آنچه را که از طریق داعش به دست نیاورند به‌وسیله این ناآرامی‌ها به دست آورند.

در بخش دیگری از بحث یکی از دوستان عراقی دیگر که از اعضای حشد الشعبی بود به ما اضافه شد و از خاطرات حضورش در میدان‌های جنگ در موصل، تکریت و سامرا گفت. او نقش ایران را در حمایت از مقاومت و حشد الشعبی «برادرانه و به دور از هر گونه سطره‌طلبی» بیان کرد. موضوعی که با حضور آمریکادار عراق تفاوت دارد. او معتقد بود که عراق امروز نظم و انسجام بیشتری یافته و همین موضوع باعث شده است که دشمنان روز به روز هرساناک‌تر شوند و در جهت تضعیف محور مقاومت تلاش کنند. هنگامی که جو کمی دوستانه‌تر و البته معتمدانه‌تر ادامه پیدا کرد، عباس به بیان برخی از دیدگاه‌های ضد مقاومت در عراق پرداخت و گفت در عراق هم برخی جریان‌های داخلی تلاش دارند تا با ایجاد «شکاف قومی و نژادی میان ایران-عراق» موجب دشمنی این دو ملت با یکدیگر شوند؛ در صورتی که حضور حشد الشعبی در عراق می‌تواند هم برای ایران مانند «دستی توانا» باشد و هم عراق در ابعاد امنیتی، اقتصادی و سیاسی‌اش بهره‌برند. نهایتاً با وجود اینکه دوستان اصرار به ماندن ما داشتند تصمیم به ادامه مسیر گرفتیم. در این میان آنچه برایم جالب بود استقبال و افتخار مردم عراق به اعضای حشد الشعبی بود و در هر گفت‌وگویی سعی می‌کردند تا اعضای موکب را که در حشد الشعبی بوده‌اند به ما معرفی کنند. شاید این تعبیر درست باشد که حشد الشعبی مانند مدال درخشانی بر سینه مردم عراق می‌درخشد و تا به امروز به‌خوبی توانسته مأموریت ضد استکباری خود را در عراق به پایان برساند. پیاده روی امسال پرشکوهرتر از سال‌های پیش بر گزار شد و این نوید را به همراه داشت که روح جدیدی در جهان اسلام در حال دمیده شدن است؛ موضوعی که توان تحلیل‌را از نظریه‌های غربی گرفته است. آنچه در موکب‌ها دیده می‌شد حضور همه اقشار عراقی، با همه عقاید، از همه سن و سال‌ها، با شغل و تحصیلات مختلف بود و این موضوع را به ذهن متبادر می‌کرد که جوانان و کودکان عراقی در حال آموختن فن زائرناواری در کنار شیوخ خود هستند؛ شاید مأموریت آن‌ها میزبانی از صدها میلیون زائر در اربعین‌های پیش رو باشد. اربعینی که نمی‌توان تنها در یک ساحت آن را نگریست.

آنچه برایم جالب بود استقبال و افتخار مردم عراق به اعضای حشد الشعبی بود و در هر گفت‌وگویی سعی می‌کردند تا اعضای موکب را که در حشد الشعبی بوده‌اند به ما معرفی کنند





ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

[یاران آخر الزمانی]



◀ **هنیه:** اجازه پیشبرد طرح‌های دشمن در قدس را نمی‌دهیم

رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی حماس تاکید کرد که طرح‌های دشمن صهیونیستی برای یهودی‌سازی قدس و مسجد الاقصی هرگز راه به جایی نخواهد برد. اسماعیل هنیه در گفتگو با شبکه ماهواره‌ای الاقصی تصریح کرد که قاطعانه می‌گویم که طرح‌های دشمن صهیونیستی برای تقسیم مسجد الاقصی بی‌نتیجه خواهد بود و ما با جان و دل از این مسجد دفاع کرده و اجازه پیشبرد طرح‌های دشمن و تغییر آثار و نشانه‌های قدس را نمی‌دهیم و هیچ طرحی و تصمیمی نخواهد توانست واقعیت‌های موجود را تغییر دهد. وی بر ضرورت مقابله با طرح‌های دشمن صهیونیستی با رویکردی قاطع و طرحی حکیمانه و شجاعانه تاکید کرد و گفت حوادث جاری در منطقه به هیچ وجه نمی‌تواند مسئله فلسطین را تحت الشعاع خود قرار داده و موجب فراموشی آن شود. زیرا قدس همچنان قیله کله مسلمانان و مرکز نبرد و نزاع با دشمن صهیونیستی خواهد بود.

گزارش بیت المقدس به مناسبت سی‌امین سالگرد عملیات استشهادی شهید «سید عبدالله عطوی»

◀ داود مازندرانی

«حر عاملی»؛ گمنام‌ترین شهید «عصر طلایی استشهادیون» لبنان



داشت و هیچکس تصور نمی‌کرد یک جوان ۲۰ ساله چنین عملیات استراتژیکی را رقم بزند و لرزه به اندام سران تل آویو بیندازد. در هر صورت، عبدالله با عملیاتی که انجام داد به یکی از تاریخ‌سازان عرصه مقاومت در لبنان تبدیل شد.

عملیات «حر عاملی» چگونه رقم خورد

ظهر روز ۱۹ اکتبر سال ۱۹۸۸ (۲۷ مهر ماه) همزمان با سالروز میلاد رسول اکرم (ص) بود که صدای انفجاری مهیب در نزدیکی مرزهای مشترک لبنان و اراضی اشغالی فلسطین به گوش رسید. این انفجار آنقدر بزرگ بود که صدای مهیب آن حتی شهر کنشینان ساکن شهر کهای دیگر از جمله شهرک «کریات اشمونه» و ادرو حشت فرو برد. این در حالی است که شهرک «کریات اشمونه» در ۱۵ کیلومتری جنوب لبنان واقع شده است. به همین دلیل شنیده شدن صدای انفجار مذکور توسط شهر کنشینان حاکی از بزرگی انفجار بود. ماجرا از این قرار بود که نظامیان رژیم صهیونیستی در قالب یک کاروان نظامی بزرگ شامل یک دستگاه کامیون به همراه نفربر (M۱۱۳) که توسط خودروهای نظامی وزرهی صهیونیست‌ها پشتیبانی و حفاظت می‌شدند، در آستانه ورود به منطقه «بوابة فاطمه» بودند.

علت حرکت نظامیان صهیونیست در قالب کاروان‌های نظامی در آن مقطع نیز به ترس و وحشت روزافزون آن‌ها از عملیات‌های استشهادی فرزندان مقاومت بازمی‌گشت؛ چرا که صهیونیست‌ها به خوبی می‌دانستند در عصر طلایی استشهادیون به سر می‌برند و هر لحظه ممکن است به طعمه‌ای برای سربازان مقاومت تبدیل شوند. اما این بار، محاسبات آن‌ها اشتباه از آب درآمد، چرا که یکی از فرزندان بزرگ مقاومت به نام «حر عاملی» در منطقه موسوم به «کفر کلا» با یک خودروی حامل ۵۰۰ کیلوگرم مواد منفجره انتظار آن‌ها را می‌کشید تا همه چیز را بر سرشان ویران کند.

عبدالله در مدت کوتاهی که انتظار ورود کاروان نظامیان رژیم صهیونیستی به «بوابة فاطمه» را می‌کشید، به بازی با کودکان و نوجوانان روستا مشغول شد تا توجهات را به سمت خود جلب نکند. بدین ترتیب، هیچکس گمان نمی‌کرد که این جوان ۲۰ ساله که مشغول بازی با کودکان و نوجوانان بود، تنها به فاصله چند دقیقه زمین‌رادر زیر پای

این عملیات بزرگ به دلیل همزمان شدن با سالروز ولادت پیامبر اکرم (ص) بارمز «محمد رسول الله (ص)» انجام شد و تا روزها و هفته‌ها صهیونیست‌ها را در شوکی عمیق فرو برد

تاروزها و هفته‌ها صهیونیست‌ها را در شوکی عمیق فرو برد. پس از انجام این عملیات بود که رسانه‌های مختلف به بررسی ابعاد آن و تأثیراتش بر رژیم صهیونیستی سخن گفتند. رسانه‌های عرب‌زبان در این خصوص اعلام کردند: «عملیات حر عاملی موجب شد تا حالتی از ترس و وحشت بر صفوف صهیونیست‌ها حاکم شود. اکنون دیگر صهیونیست‌ها از قدرت مقاومت و حضور پرننگش در مناطق مرزی با اراضی اشغالی به شدت در هراس هستند». اما عمق ضربه در دناکی که صهیونیست‌ها در پی عملیات «حر عاملی» متحمل شدند به همینجا ختم نمی‌شود، چرا که حتی فرماندهان ارشد این رژیم نیز به شکست سنگین خود در جریان عملیات مذکور اذعان کردند. در همین ارتباط، «دان شمرن» از فرماندهان ارشد ارتش اسرائیل در آن زمان، تصریح و اذعان می‌کند:

علیرغم گذشت قریب به ۳ دهه از حمله متجاوزانه رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان و ارتکاب جنایت‌های جنگی و ضد حقوق بشری این رژیم علیه مردم این کشور، یاد و خاطره اقدامات قهرمانانه مردان مقاومت در برابر این تجاوزگری آشکار که تحت حمایت جامعه جهانی و در سایه سکوت مرگبار سازمان‌های بین‌المللی انجام شد، هنوز در اذهان باقی مانده است. در شرایطی که در سال ۱۹۸۲ میلادی رژیم صهیونیستی گمان می‌کرد با اشغال جنوب لبنان می‌تواند دامنه اشغالگری خود در این کشور و دیگر کشورهای منطقه را گسترش دهد و در نهایت بر تمامی اراضی مسلمانان سیطره پیدا کند، این مردان مقاومت لبنان بودند که در سی تاریخی را به سران تل آویو دادند؛ درسی که سران رژیم صهیونیستی و به ویژه فرماندهان این رژیم همچنان در محاسبات خود آن را سرلوحه‌شان قرار می‌دهند. در میان اقدامات قهرمانانه مردان مقاومت اما «استشهادیون» نقش مهم، مؤثر و بسزایی را در پیروزی چشمگیر مقاومت ایفا کردند.

آغاز «عصر استشهادیون»

همانطور که گفته شد رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ برای دومین بار جنوب لبنان را آماج حملات متجاوزانه خود قرار داد و در نهایت توانست این محور را تحت اشغال خود در آورد. پس از این اقدام خصمانه رژیم صهیونیستی بود که شاهد ظهور مقاومت در لبنان تحت عنوان «حزب‌الله» بودیم؛ گروهی که توانست از همان بدو تأسیس ضربات مهلک و کشنده‌ای را بر پیکره صهیونیست‌ها وارد آورد. درست از همین سال یعنی سال ۱۹۸۲ بود که «عصر طلایی استشهادیون» در لبنان آغاز شد و طی آن مردان جان‌بر کف مقاومت، خواب را از چشمان متجاوزان صهیونیست بردند. از شهید «احمد قصیر» به عنوان «فاتح عصر استشهادیون» یاد می‌شود وی در یک عملیات استشهادی در شهر «صور» در سال ۱۹۸۲ موفق شد بیش از ۷۰ نفر صهیونیست را به درک واصل کند.

از دیگر استشهادیون این عصر طلایی می‌توان به شهدایی نظیر «علی صفی الدین»، «هیثم دبوکی»، «أسعد برو»، «ابراهیم ظاهر»، «صلاح غندور»، «علی قشمر» و ... اشاره کرد که جملگی نقش برجسته و غیرقابل انکاری را در تحمیل شکست ننگین و تاریخی به اشغال‌گران صهیونیست ایفا کردند. «سید حسن نصرالله» دبیر کل حزب‌الله لبنان در این خصوص می‌گوید: «عصر استشهادیون آغازگر عصری جدید در مسیر مقاومت و جهاد در برابر متجاوزان صهیونیست بود».

گمنام‌ترین شهید عصر طلایی

در میان شهدای مذکور انانام یک شهید دیگر نیز به چشم می‌خورد و آن شهید «سید عبدالله عطوی» است که البته در میان دوستان خود به «حر عاملی» نیز معروف بوده است. این شهید لبنانی نیز در زمرة «استشهادیون عصر طلایی» لبنان قرار دارد و البته گمنام‌ترین شهید این عصر نیز محسوب می‌شود، چرا که در محافل سیاسی و رسانه‌ای کمتر از او و عملیات قهرمانانه‌اش علیه صهیونیست‌ها سخن گفته شده است. وی در سال ۱۹۸۸ در جریان یک عملیات استشهادی ضربه مرگباری را بر پیکره صهیونیست‌ها وارد کرد. این عملیات استشهادی بزرگ در شرایطی اتفاق افتاد که عبدالله تنها ۲۰ سال

«این عملیات ضربه مهلک و دردناکی به اسرائیل بود. ما در این عملیات هزینه‌های هنگفت و البته درآوری را پرداخت کردیم». در همین حال، «یوسی بیلین» از دیگر فرماندهان ارشد ارتش رژیم صهیونیستی در آن زمان نیز اذعان کرده بود: «این عملیات علیه اسرائیل قوی‌ترین ضربه‌ای است که نیروهای اسرائیلی تاکنون در جنوب لبنان متحمل شده‌اند».

وصیتنامه‌ای که توسط حزب‌الله منتشر شد

ساعاتی از عملیات استشهادی بزرگ «سید عبدالله عطوی» معروف به «حر عاملی» علیه صهیونیست‌ها نگذشته بود که «حزب‌الله» لبنان با انتشار وصیتنامه تصویری عبدالله در حالی که وی تمثالی از امام خمینی (ره) به عنوان مقتدای شهدا طلبان در پشت سر خود داشت، نتیجه این عملیات را کامل کرد. در متن وصیتنامه این شهید عالیقدر مقاومت آمده است: «من بنده محتاج خدا سید عبدالله عطوی هستم و عملیات شهدا طلبانه خود را در ایام ولادت رسول گرانقدر اسلام (ص) و به بزرگداشت هفته وحدت اسلام انجام می‌دهم و ان شاء الله در زمرة شهدا قرار گیرم». در ادامه این وصیتنامه همچنین آمده است: «این عملیات را به انتفاضه اسلامی در فلسطین هدیه می‌کنم و به آن مجاهدان قهرمان که عزت و کرامت را برای مسلمانان فلسطین و برای همه مستضعفان عالم به‌رمغان آوردند، تبریک می‌گویم». عبدالله در پایان نیز خطاب به مادرش این چنین می‌گوید: «از تومی خواهم که با شنیدن خبر شهادت من خوشحال شوی و بغویی: خداوند این قربانی را از ما مقبول بفرماید».



◀ جان باختن سه اسیر یمنی زیر شکنجه مزدوران سعودی

مزدوران ائتلاف تحت رهبری رژیم سعودی جنایت جدیدی را علیه سه اسیر یمنی مرتکب شدند که زیر شکنجه‌های شدید در زندان‌های استان مارب در یمن جان باختند. سه اسیر از نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن توسط مزدوران ائتلاف سعودی تا حد مرگ در داخل زندان شهر مارب شکنجه شدند و مزدوران سعودی بر تحویل ندادن اجساد این قربانیان هم اصرار دارند. کمیته ملی اسرای یمن این جنایت فجیع را محکوم و تأکید کرد: قتل اسرای یمنی نفرت و بدخواهی خائنانه و اهداف پد آنها را نسبت به ملت عزیز ما را نشان می‌دهد. این کمیته همچنین تأکید کرد که تکرار این جنایات علیه اسرا نشانگر این است که آنها تحت فرمان عالی‌ترین رهبران کشورهای متجاوز و مزدوران آنها قرار دارند و کشورهای ائتلاف سعودی از لحاظ قانونی و اخلاقی در قبال این جنایات مقصر هستند.

باز خوانی نبرد ماندگار «الکرامه»

محمدجواد مهدی زاده

اولین شکست بنی صهیون



با وجود پیروزی‌های خیره‌کننده حزب الله لبنان در چند جنگ بزرگ با ارتش رژیم صهیونیستی و بازپس‌گیری بخش اعظمی از خاک کشورشان از اسرائیل، باید اذعان کرد که برخلاف باور رایج در میان بسیاری از افراد علاقه‌مند به موضوع مقاومت اسلامی، این حزب الله نبود که توانست برای اولین بار در تاریخ نبردمیان مسلمانان عرب با ارتش اسرائیل، تل‌آویو را دچار یک شکست نظامی کند.

با وجود شکست سنگین ارتش‌های عربی در برابر ارتش رژیم صهیونیستی در جنگ ۶ روزه سال ۱۹۶۷، که منجر به تحقیر شدید دولت‌های عربی در برابر دولت جعلی اسرائیل شد، نیروهای چریک فلسطینی وابسته به جنبش تازه تاسیس موسوم به «سازمان آزادیبخش فلسطین» (فتح) تصمیم گرفتند بدون در نظر گرفتن عواقب این شکست در مقیاس منطقه‌ای و جهانی، به درگیری با نظامیان صهیونیست در خاک فلسطین و نواحی مشرف به آن ادامه دهند.

روداردن، به همراه کرانه‌های باختری و خاوری آن، جایگاه مهمی در جغرافیای نبرد میان نظامیان صهیونیست و چریک‌های فلسطینی داشت. این منطقه بدلیل تجمع گسترده فلسطینی‌ها و عشایر اردنی فلسطینی تبار، که مواضع سختی علیه نظامیان صهیونیست داشتند، همیشه برای مقامات نظامی تل‌آویو و رهبران سیاسی آن از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

در راستای همین اهمیت و برای تضعیف هرچه بیشتر شبه‌نظامیان فلسطینی، با توجه به شکست اعراب در نبرد سال ۱۹۶۷، نیروهای زمینی ارتش رژیم صهیونیستی با پشتیبانی هوایی و توپخانه‌ای، در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۶۸ (۱ فروردین ۱۳۴۷) به مواضع چریک‌های فلسطینی در روستای «کرامه» در کرانه خاوری روداردن حمله کردند.

نبرد کرامه را باید نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مسلمانان و اعراب با رژیم صهیونیستی دانست که با وجود نقش تاریخی خود، تا حد زیادی در میان اذهان عمومی مسلمانان و اعراب مغفول مانده است

علیه رژیم صهیونیستی (با هدف آزادسازی مناطق اشغالی دو کشور و کشتادن نبرد به داخل خاک فلسطین اشغالی)، ملک حسین اطلاعاتی که از بنیه نیروهای مسلح این دو کشور عربی و هم پیمانان آنان در این جنگ بدست آورده بود را در اختیار سرویس اطلاعات آمریکا گذاشت تا آنان نیز سرویس‌های اطلاعاتی و ارتش رژیم صهیونیستی را از این موضوع مطلع کنند.

به همین دلیل با وجود پیروزی‌های اولیه سوریه و مصر در این جنگ و آزادسازی شهر اشغالی قنیه در ارتفاعات جولان، جنگ به دلیل خیانت عواملی مانند دولت اردن و آتش بس یک جانبه از سوی مصر، ناتمام ماند تا از تحقق پیروزی بزرگ تر از آنچه در روستای کرامه اردن رخ داد، جلوگیری شود.

با وجود چریک‌های فلسطینی فراری از اردن به لبنان و عملیات فزاینده آنان علیه نظامیان صهیونیست، شبه نظامیان وابسته به احزاب مسیحی متحد اسرائیل در لبنان نیز تصمیم به بحرانی کردن شرایط برای فلسطینی‌ها گرفتند که در نتیجه آن، جنگ داخلی در لبنان به مدت ۱۵ سال شعله‌ور شد.

۷ سال پس از آغاز جنگ داخلی لبنان نیز ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ حمله گسترده‌ای به این کشور کرد تا باعث شود نیروهای ساف آخرین پایگاه خود در جوار مرزهای فلسطین را هم ترک کنند و عازم تونس، کشوری در شمال آفریقا و دور از مرزهای فلسطین، شوند.

به همین دلایل باید نبرد کرامه را نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مسلمانان و اعراب با رژیم صهیونیستی دانست که با وجود نقش تاریخی خود، تا حد زیادی در میان اذهان عمومی مسلمانان و اعراب مغفول مانده است.

سازمان آزادیبخش فلسطین و نیروهای ارتش اردن بسیار بیشتر از نظامیان صهیونیست بود (حدود ۳۰۰ نیروی مبارز فلسطینی و نظامی اردنی در مقابل ۳۰ نظامی صهیونیست) اما به دلیل عقب نشینی ارتش اسرائیل از منطقه و نرسیدن آنها به هیچ یک از اهداف تعیین شده در نبرد منطقه کرامه، این نبرد به عنوان یک پیروزی برای فلسطینی‌ها و اردنی‌ها در منطقه و جهان مطرح شد و باعث شد طی مدت کوتاهی از تحقق این پیروزی، هزاران نفر از مردان و زنان فلسطینی برای پیوستن به سازمان آزادیبخش فلسطین داوطلب شوند.

علاوه بر این، واکنش ملت‌های عربی به این موضوع نیز قابل توجه بود. لبنانی‌ها و سوری‌ها که به شدت از این پیروزی استقبال می‌کردند، علی‌رغم میل دولت لبنان، شرایط را برای حضور گسترده تر چریک‌های فلسطینی در این کشور فراهم کردند. این موضوع باعث شد لبنان به یکی از پایگاه‌های مهم شبه‌نظامیان فلسطینی در شمال مرزهای رژیم صهیونیستی تبدیل شود.

با این حال، ملک حسین پادشاه اردن، که به شدت از محبوبیت شبه‌نظامیان فلسطینی در میان عشایر و مردم عادی اردن، که بسیاری از آن‌ها نسب مشترک با فلسطینی‌ها دارند، می‌ترسید دو سال پس از پیروزی فلسطینی‌ها و ارتش در نبرد کرامه، طی یک سلسله درگیری خون‌بار که یک سال به طول انجامید چریک‌های فلسطینی را از اردن بیرون کرد تا به این ترتیب، لبنان تنها پایگاه فعالیت آنان باشد. این واقعه به دلیل آغاز آن در سپتامبر ۱۹۷۰ به «سپتامبر سیاه» معروف شد.

۳ سال پس از سپتامبر سیاه و ۵ سال پس از پیروزی در نبرد کرامه، با آغاز جنگ اکتبر ۱۹۷۳ توسط مصر و سوریه

به دلیل قرار گرفتن روستای کرامه در خاک اردن، ارتش اردن نیز در کنار چریک‌های فدایی فلسطینی وارد نبرد با نظامیان صهیونیست شد. درگیری‌ها میان نظامیان صهیونیست و نظامیان و شبه‌نظامیان اردنی و فلسطینی با شدت ادامه پیدا کرد اما با وجود تلفات شدید فلسطینی‌ها و اردنی‌ها، نیروهای اسرائیلی بدون رسیدن به هدف خود (تصرف منطقه کرامه و انهدام پایگاه‌های فلسطینی‌ها در اطراف این روستا) وادار به عقب نشینی به سمت کرانه باختری روداردن شدند.

اگرچه تلفات جانی در میان شبه‌نظامیان وابسته به

ملک حسین اطلاعاتی که از بنیه نیروهای مسلح سوریه و مصر و هم پیمانان آنان در این جنگ بدست آورده بود را در اختیار سرویس اطلاعات آمریکا گذاشت تا آنان نیز سرویس‌های اطلاعاتی و ارتش رژیم صهیونیستی را از این موضوع مطلع کنند





ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

[قلب زمین]

خط و نشان گردان‌های قسام برای صهیونیست‌ها

گردان‌های شهید عزالدین قسام شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی حماس تصویری از نظامیان اسیر اسرائیلی در نوار غزه منتشر کرد. بر روی این تصویر پیامی خطاب به رژیم صهیونیستی به دو زبان عربی و عبری منتشر شده با این مضمون که: سربازان تو هنوز در غزه هستی. (اشاره به ۴ نظامی اسیر اسرائیلی در غزه). گردان‌های قسام ۴ نظامی اسرائیلی را به نام‌های شاول آرون، هدار گولدن، ابراهام منگستو و هاشم بدوی السید به اسارت گرفته و اعلام کرده که دشمن صهیونیستی برای کسب اطلاعات در مورد این ۴ نظامی باید بهای لازم را بپردازد. اولین شرط حماس برای ورود به مذاکرات با رژیم صهیونیستی برای امضای مبادله اسرای جدید، آزادی تمامی اسرای است که به موجب قرارداد شالیت آزاد شده و مجدداً به اسارت گرفته شده‌اند.



«سندس یوسف الاسد» فعال لبنانی حقوق زنان در گفت‌وگو با بیت المقدس:

عربستان یکی از بدترین سیاهچال‌های روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر است



«سندس یوسف الاسد»، فعال لبنانی حقوق بشر و حقوق زنان است. او در زمینه‌های مختلفی از جمله جامعه‌شناسی سیاسی، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، حقوق زنان و حقوق بشر فعالیت می‌کند. سندس یوسف الاسد همچنین از اعضای فعال کمیته بین‌الملل حمایت از روزنامه‌نگاران است. در گفت‌وگو با این فعال لبنانی به محورهای متعددی پرداختیم. وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی، رفتار رژیم سعودی و شخص بن سلمان در برابر دشمنان جهان اسلام، حقیقت اصلاحات ادعایی از سوی شاهزاده سعودی در امور زنان، وضعیت حقوق بشر در یمن و دلیل اصلی حملات ائتلاف به فقیرترین کشور منطقه از جمله محورهای اصلی این گفت‌وگو بود. متن کامل این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید:

▼ به عنوان فعال حقوق بشر، رفتار رژیم سعودی در قبال مخالفان داخلی خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عربستان سعودی همچنان اقدامات خشونت‌آمیز خود علیه مخالفان سیاسی، فعالان طرفدار دموکراسی، روحانیون، روشنفکران و فعالان حقوق زنان را ادامه می‌دهد. این اقدامات طیف وسیعی از آزار و اذیت، ارباب، اقدامات تبلیغاتی، ممنوعیت سفر، بازداشت و پیگرد قانونی را در کنار اقدامات امنیتی شدید در برمی‌گیرد. این فعالان صلح‌جو از سوی پادشاهی سعودی تحت عنوان «خان» برچسب زده می‌شوند و به جرم اتهامات امنیتی «جعلی» محاکمه می‌شوند که کاملاً بی‌اساس، غیرقانونی و برخلاف تمام معیارهای بین‌المللی شناخته شده است.

به دنبال قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار واشنگتن پست، در ۱۲ اکتبر سال گذشته در کنسولگری عربستان سعودی در استانبول، مسئله آزادی بیان در عربستان سعودی از سوی گروه‌های مختلف حقوق بشر شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است. در واقع، سیاست رژیم سعودی برای خاموش کردن مخالفان خود از زمان به قدرت رسیدن محمد بن سلمان در سال ۲۰۱۷ به طور قابل توجهی افزایش یافته است. فعالان در طی دو سال گذشته به طور شدیدی سرکوب شده‌اند. این هادر کشوری به وقوع پیوسته که آزادی بیان، مشارکت، اجتماع و انواع دیگر مشارکت مدنی نه تنها محدود شده بلکه به عنوان جرم نگرسته می‌شود.

علاوه بر این، حقوق بشر از سوی نیروهای امنیتی در زندان سعودی در ابعاد متعددی نقض می‌شود. طبق گزارش‌ها، زندانیان عقیدتی در میان سکوت شرم‌آور جامعه بین‌المللی، از جمله دو متحد اصلی ریاض، یعنی انگلیس و ایالات متحده، تحت شکنجه شدید قرار می‌گیرند. مقامات زندان‌های سعودی، مستبدانه

با وجود اصلاحات ادعایی بن سلمان، زنان سعودی با تبعیض نظام‌مند روبرو هستند. در این خصوص بنیاد تامسون رويترز آورده که عربستان سعودی پنجمین کشور خطرناک در جهان برای زنان «بر اساس عواملی مانند خشونت، تبعیض و سنت‌های فرهنگی» محسوب می‌شود. اگرچه ریاض در ژوئن سال ۲۰۱۸ ممنوعیت رانندگی برای زنان را رسماً برطرف کرد؛ اما این اقدام با دستگیری شماری از فعالان همراه شد. به طور کلی، زنان سعودی قربانی آزار و اذیت نظام‌مند هستند.

در کشوری که با زنان به عنوان کالایی فاقد ارزش رفتار می‌شود؛ فعالان حقوق زن مانند اسراء الغمغام احتمالاً اولین زنی است که به راحتی مجازات اعدام را می‌چشد. الغمغام مستبدانه قربانی مرگ شد؛ چراکه صرفاً مدافع حقوق بشر از شهر ساحلی شرقی قطیف

مراقبت‌های فوری را از زندانیان دریغ می‌کنند، از آزار جان آنان به متخصصان خودداری می‌ورزند و از عدم تهیه داروهای به عنوان نوعی انتقام استفاده می‌کنند؛ این در حالی است که سلامتی هزاران نفر شدیداً روبرو به وخامت گذاشته و روز به روز بدتر شده است.

علاوه بر این، ریاض تریبون‌های مساجد را مدیریت می‌کند تا از این طریق نمازگزاران را نسبت به تظاهرات هشدار دهند و تأکید کنند که هر حرکتی که خواهان اقدام سیاسی یا آزادی باشد، گمراه شده و منحرف است. بسیاری از فعالان به دلیل عدم تحمل ایدئولوژی وهابی، با موانع دیگری نیز روبرو هستند؛ چراکه از دسترسی به آموزش، حقوق مذهبی و اشتغال محروم می‌شوند. اعتراضات عمومی، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و رسانه‌ها همه توسط خانواده سلطنتی کنترل می‌شوند. مقامات سعودی همچنین برای توجیه

بدون شک آزادی بیان و انتقاد عمومی در عربستان سعودی به شدت خفه می‌شود؛ جایی که یکی از بدترین سیاهچال‌های روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر است

نقض‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز حقوق بشر، قوانین ضد تروریسم را دست‌کاری می‌کنند.

▼ جایگاه بن سلمان در عربستان چگونه است و رفتار او در برابر دشمنان جهان اسلام، به‌ویژه رژیم صهیونیستی چگونه دیده می‌شود؟

محمد بن سلمان یک حاکم بالفعل در عربستان سعودی محسوب می‌شود؛ کسی که به دلیل تسلط بر سیاست‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی ریاض از یک قدرت مطلق برخوردار است. به گفته مجله آمریکایی آتلانتیک، رفتار سیاسی بی‌ثبات بن سلمان علیه مردم خودش با رفتار او با دوستان صمیمی‌اش، یعنی صهیونیست‌ها کاملاً متفاوت است؛ زیرا او معتقد است که آن‌ها (صهیونیست‌ها) «حق دارند سرزمین خود را داشته باشند» و «منافع زیادی وجود دارد که ما [عربستان سعودی] می‌توانیم با اسرائیل به اشتراک بگذاریم».

▼ به عنوان فعال حقوق زنان، اوضاع حقوق زنان در عربستان را چگونه می‌بینید؟ آیا می‌توان اصلاحات بن سلمان را حقیقی دانست؟

در آن وقت در توثیتی اظهار داشت: «خدا بین قلوب [کشورهای خلیج فارس] به خاطر منافع مردمشان هماهنگی ایجاد کند». بعد از اندکی، پسر او در توثیت عنوان کرد که اتهامات علیه پدرش به توثیت‌های وی، تأسیس سازمان النصره در کویت برای دفاع از پیامبر اکرم (ص)، عضویت در شورای اروپایی برای فتوا و پژوهش و عضویت در اتحادیه بین‌المللی دانشمندان مسلمان مربوط می‌شود.

بدون شک آزادی بیان و انتقاد عمومی در عربستان سعودی به شدت خفه می‌شود؛ جایی که یکی از بدترین سیاهچال‌های روزنامه‌نگاران و فعالان حقوق بشر است. رسانه‌ها نیز به شدت مورد نظارت قرار می‌گیرند، زیرا روزنامه‌نگاران که جرئت انتقاد از رژیم را دارند باید با مجازات بدتری روبرو شوند.

▼ جنگ با یمن بیش از چهار سال به طول انجامیده است. وضع مردم یمن و نقش کشورهای حامی حقوق بشر را در این جنگ چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما دلیل اصلی حملات سعودی به این کشور فقیرنشین چه می‌تواند باشد؟

از زمان آغاز جنگ علیه یمن فقیرنشین، در مارس ۲۰۱۵، واشنگتن به طور کامل حمایت‌های لجستیکی، نظامی و اطلاعاتی را برای کارزار هوایی بی‌امان ریاض فراهم کرده و باعث کشته شدن هزاران غیرنظامی بی‌گناه شده است. جنگ به رهبری عربستان سعودی با مجموعه‌ای از حملات وحشیانه نظام‌مند به هزاران هدف با مصونیت از حمله مناطق مسکونی، اماکن غیرنظامی، زیرساخت‌ها، اردوگاه‌های پناهندگان، مدارس، مراکز مذهبی و بازارها همراه بوده است.

این حجم از وحشیگری‌ها برای انجام جنایات جنگی بدین دلیل صورت می‌گیرد که این ترس در میان مقامات سعودی وجود دارد که مردم یمن از یک تحول سیاسی عبور کرده و بر این اساس در مرزهای سعودی، دولتی دموکراتیک پایه‌گذاری شود که توسط خود یمنی‌ها اداره و کنترل می‌شود. این امر به مردم عربستان الهام می‌بخشد تا رژیم استبدادی را سرنگون کنند و ثروتی را که ۱۰ هزار شاهزاده در دست دارند، پس بگیرند. به عبارتی ساده‌تر اگر مردم یمن از دموکراسی برخوردار باشند، رژیم سعودی فرومی‌پاشد؛ با حمایت یا بدون حمایت ایالات متحده.



یک بیابان بی پناهی

مطهره عباسیان

از کوفه تاشمشیر عزرا بیل هایش
از کربلا تا شام با تفصیل هایش

بعد از چهل روز از مسیر تلخ دیروز
امروز آمد دیدن فامیل هایش

خود را به روی قبرهای خاکی انداخت
بانوی مکه با همان تجلیل هایش

حال عجیبی داشت وقتی باز می گشت
بغض غریبی داشت در ترنیل هایش

با او چهل روز و چهل شب همسفر بود
کابوس هایی تلخ با تاویل هایش

این جا پذیرفت آن چه را باور نمی کرد
دل کند حوا آخر از هابیل هایش

زن مانده بود و یک بیابان بی پناهی
زن مانده بود و داغ اسماعیل هایش



یکی از موضوعاتی که در خصوص ناآرامی های اخیر لبنان مورد توجه رسانه ها و کاربران شبکه های اجتماعی قرار گرفته، فضای شاد و رفتار عجیب شرکت کنندگان در حاشیه این تظاهرات است.

هر آنچه که از لبنان می خواهید بدانید



«LIBANIRAN»: کانال رسمی کامل ترین پایگاه مستقل اطلاع رسانی پیرامون مسائل لبنان. این توضیحی است که کانال LIBANIRAN در بخش معرفی خود نوشته است. اگر علاقمند به اخبار، تحولات و دانستن نکات جالب درباره عروس خاورمیانه یا همان کشور لبنان هستید حتما این کانال تلگرامی را دنبال کنید.

در این پایگاه به موضوعات مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تاریخی از جمله تحصیل و ازدواج در لبنان پرداخته شده است.

از ویژگی های این کانال به روز بودن و اطلاع رسانی همراه با تحلیل تحولات و اخبار روز لبنان است. در کنار این ویژگی، کانال لیبنایران معمولاً در اراده تحلیل یا گزارش تحولات جانب انصاف را نگاه داشته و گرایش پررنگی به هیچ طرفی ندارد اگر چه در مجموع از حامیان محور مقاومت است.

رویکرد تعاملی کانال و پاسخ به نظرات مخاطبین از دیگر ویژگی های مناسب این کانال است.

برای دسترسی به این کانال باید از آدرس <https://t.me/libaniran> بهره گرفت. همچنین سایت این کانال هم در آدرس libaniran.com قابل دسترسی است.

حماسه آفرینی قبایل یمنی



یمن و یمنی ها در طول تاریخ چند هزار ساله خود همیشه تحولات سرنوشت سازی را رقم زده اند. این روزها غیور مردان انصارالله و ارتش یمن با وارد کردن ضربات سنگین و بی سابقه به عربستان سعودی، برگی زرین در کارنامه خود را رقم زده اند اما این دلآوری و نقش آفرینی مثبت در ادوار دیگری از تاریخ هم وجود داشته است.

«نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت (ع)» از جمله کتبی است که به بررسی نقش قبایل این کشور در صدر اسلام و در حمایت از مکتب حقه اهل بیت (ع) پرداخته است.

در چکیده این کتاب آمده است: یمن از صدر اسلام، یکی از کانون های مهم تشیع بوده است و قبایل یمنی در تاریخ اسلام و در حمایت از اهل بیت (ع) نقش های کلیدی داشته اند.

مؤلف، با طرح چند سؤال اساسی و بر طبق روش کتابخانه ای مبتنی بر منابع و اسناد دست اول، به چنین تحقیق گسترده و عمیقی دست زده است. وی برای تحلیل و تفسیر و نقد داده های تاریخی از روش قیاسی مربوط به کلیات حوادث و روش استقرایی مربوط به جزئیات حوادث استفاده کرده است.

این کتاب، نوشته اصغر منتظر القائم است که در ۴۰۸ صفحه در قطع رقعی منتشر شده و به قیمت ۳۰۰۰۰ تومان به فروش می رسد.

«فیلا دلفی» فیلمی ایرانی برای مردم غزه



فیلم «فیلا دلفی» به کارگردانی اسماعیل رحیم زاده و سید مجتبی اسدی پور از جمله آثاری است که در کشورمان با موضوع فلسطین ساخته شده و بطور خاص مصائب مردم غزه را مورد توجه خود قرار داده است. آنگونه که نویسنده این فیلم گفته کلید نوشتن فیلمنامه در جنگ ۳۳ روزه اتفاق افتاده و نزدیک به ۶ ماه بر روی این فیلمنامه تحقیق کرده و ۵ ماه نوشتن آن به طول انجامیده است.

ماجرای این فیلم بدین شکل است که «گروهی برای رساندن آذوقه و دارو از طریق تونل های زیرزمینی از مرز رفح مصر به مرز رفح غزه اقدام می کنند اما در طول مسیر اتفاقاتی برایشان رخ می دهد و ...»

در این فیلم بازیگران ایرانی از جمله چنگیز وثوقی، علی اوسیوند، محمد عمرانی، عزت اله جامعی، فلور نظری و فخرالدین صدیق شریف به ایفای نقش پرداخته اند و تهیه کنندگی آنرا مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی بر عهده داشته است.

فیلا دلفی در یازدهمین جشنواره فیلم مقاومت و نیز در سی امین جشنواره بین المللی فیلم فجر حائز جوایزی در حوزه فیلمنامه نویسی و جلوه های رایانه ای شد.